

شنبه 07 آذر 1405 - 05:45

رجعت چگونه براساس آیات قرآن اثبات می‌شود

یک پژوهشگر قرآن با اشاره به آیات ۸۳ تا ۸۵ سوره مبارکه «آل عمران» و آیه ۲۵۹ سوره مبارکه «بقره» گفت:

یک پژوهشگر قرآن با اشاره به آیات ۸۳ تا ۸۵ سوره مبارکه «آل عمران» و آیه ۲۵۹ سوره مبارکه «بقره» گفت: زنده شدن مردگان به اذن خداوند در آیات قرآن، نشانه ای از قدرت بی پایان پروردگار است و در تفسیر مهدوی، این رخدادها زمینه ای برای تبیین امکان تحقق رجعت پس از ظهور امام مهدی(عج) به شمار می روند.

قرآن کریم صرفاً کتاب هدایت به واسطه احکام نیست؛ در پرتو روایات اهل بیت(ع)، افق های تازه ای از معارف آن، از جمله حقیقت ولایت و مهدویت آشکار می شود. بسیاری از آیات قرآن در تفسیر و تأویل معصومان(ع)، با وجود مقدس حضرت ولی عصر(عج) پیوند یافته اند و تصویری عمیق تر از فرهنگ انتظار ارائه می کنند. خبرنگار ایکنا از اصفهان در سلسله گفت وگوهای «در پرتو آیات مهدوی» با علی اکبر توحیدیان پژوهشگر قرآن، این آیات و روایات را از ابتدای قرآن، جزءبه جزء بررسی می کند تا نسبت قرآن با آخرین حجت الهی، روشن تر و دقیق تر تبیین شود.
ایکنا ـ آیات ۸۳ تا ۸۵ سوره مبارکه «آل عمران» از تسلیم همگانی در برابر خداوند، بازگشت انسان ها به سوی او و جایگاه دین اسلام سخن می گویند. این آیات در پرتو روایات اهل بیت(ع) چه ارتباطی با رجعت و حکومت امام مهدی(عج) دارند؟

در ادامه بررسی آیات مهدوی، آیه ۸۳ سوره مبارکه «آل عمران» از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا در پایان آن، عبارت «وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» آمده که بر بازگشت انسان ها به سوی خداوند دلالت دارد. متن کامل آیه چنین است: «أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ؛ آیا جز دین خدا را می جویند، در حالی که هر کس در آسمان ها و زمین است، خواه ناخواه، تسلیم اوست و به سوی او بازگردانده می شوند؟»

در تفسیر مهدوی این آیه، عبارت «وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» مورد توجه قرار می گیرد؛ زیرا از بازگشت به سوی خداوند سخن می گوید و در مباحث مربوط به رجعت نیز به آن استناد می شود. البته باید توجه داشت که دلالت مستقیم آیه بر بازگشت همگانی به سوی خداوند است و ارتباط آن با رجعت، در چارچوب تفسیر روایی و معارف مهدوی بررسی می شود.

در ادامه، آیه ۸۴ همین سوره بر ایمان به همه پیامبران الهی و تسلیم در برابر خداوند تأکید می کند: «قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ؛ بگو: به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده است، ایمان آورده ایم؛ میان هیچ یک از آنان تفاوت نمی گذاریم و ما در برابر او تسلیم هستیم.»

آیه ۸۵ نیز بر یگانگی دین پذیرفته شده نزد خداوند تأکید دارد و می فرماید: «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ و هر کس دینی جز اسلام بجوید، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران خواهد بود.»

در روایتی منسوب به امام صادق(ع)، در تفسیر آیه ۸۳ آمده است، هنگامی که قائم اهل بیت(ع) قیام کند، در زمین جایی باقی نمی ماند، مگر آنکه در آن شهادتین اعلام شود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَمُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ؛ هیچ معبودی جز خدا نیست و محمد فرستاده خداست.» براساس این نقل، گسترش توحید و اقرار به رسالت پیامبر اسلام(ص)، از ویژگی های حکومت امام مهدی(عج) خواهد بود.

همچنین، در روایتی منسوب به امام موسی کاظم(ع) درباره قیام قائم(عج) آمده است که آن حضرت، یهودیان، مسیحیان، زندیقان و کافران را در شرق و غرب جهان به اسلام فرامی خواند. براساس این روایت، کسانی که دعوت او را بپذیرند، به انجام دستورهای اسلامی، از جمله نماز، روزه و زکات فراخوانده می شوند. در این نقل، پذیرش اسلام فقط به اظهار زبانی شهادتین محدود نیست، بلکه عمل به احکام و دستورهای آن نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

در ادامه همین روایت، درباره کسانی که دعوت را نمی پذیرند، برخوردی سخت بیان شده است. این بخش از نقل به دلیل حساسیت مضمون و لزوم رعایت امانت در نقل احادیث، باید با مراجعه به متن اصلی روایت و منبع دقیق آن بررسی شود و نمی توان بدون احراز سند و سیاق، آن را گزارشی قطعی از چگونگی اجرای احکام در حکومت امام مهدی(عج) بیان کرد.

در تفسیر آیه ۸۵ نیز روایتی از امام صادق(ع) خطاب به مفضل نقل شده است که براساس آن، در زمان ظهور قائم(عج)، اختلاف میان ملت ها و ادیان برطرف می شود و مردم در مسیر دین حق قرار می گیرند. مفضل از اصحاب امام صادق(ع) بود و این روایت در مباحث مربوط به آینده جهان و حکومت مهدوی مورد استناد قرار می گیرد.

در اینجا باید به نکته ای توجه کرد: از منظر اعتقادات اسلامی، آیه ۸۵ بر پذیرفته نشدن دینی جز اسلام نزد خداوند دلالت دارد؛ اما تطبیق جزئیات مربوط به یکسان شدن اعتقادات و چگونگی تحقق آن در دوران ظهور، به تفسیر روایات نیاز دارد. همچنین، موضوع رجعت در اصطلاح خاص اعتقادی شیعه، به بازگشت گروهی از انسان ها پس از ظهور امام مهدی(عج) اشاره دارد و نباید آن را بدون توضیح با همه مباحث مربوط به گسترش دین اسلام در حکومت جهانی آن حضرت یکسان دانست.

آیات ۸۳ تا ۹۱ سوره مبارکه «آل عمران» نیز در ادامه این بحث قابل بررسی هستند. با توجه به پیوستگی مفاهیم این آیات، مطالعه ترجمه و تفسیر آن ها می تواند به شناخت بهتر مبانی اعتقادی و مهدوی کمک کند.
ایکنا ـ در شماره های پیشین، درباره بحث رجعت، اشاره ای کلی به آیات پایانی سوره مبارکه «بقره» داشتید. جزئیات بیشتری درباره تفسیر آیه ۲۵۹ این سوره مبارکه توضیح دهید.

برای بررسی بیشتر موضوع رجعت، می توان به آیه ۲۵۹ سوره مبارکه «بقره» بازگشت؛ آیه ای که ماجرای زنده شدن یک انسان پس از ۱۰۰ سال را بیان می کند. متن کامل آیه چنین است: «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَل لَّبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

ترجمه: «یا ماجرای کسی را به یاد آور که از کنار شهری گذشت، در حالی که سقف های آن فروریخته و دیوارهایش بر سقف هایش واژگون شده بود. گفت: خداوند چگونه این مردگان و ویرانی ها را پس از مرگشان زنده می کند؟ پس خداوند او را به مدت ۱۰۰ سال میراند؛ سپس او را برانگیخت. خداوند فرمود: چه مدت درنگ کردی؟ گفت: یک روز یا بخشی از یک روز درنگ کردم. فرمود: بلکه ۱۰۰ سال درنگ کرده ای؛ پس به خوراک و نوشیدنی ات بنگر که تغییر نکرده است و به الاغت بنگر؛ و این کار را انجام دادیم تا تو را نشانه ای برای مردم قرار دهیم و به استخوان ها بنگر که چگونه آن ها را برمی افرازیم و به هم پیوند می دهیم، سپس بر آن ها گوشت می پوشانیم. پس هنگامی که این حقیقت برای او آشکار شد، گفت: می دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست.»

در آغاز آیه، سخن از فردی است که از کنار آبادی ویران شده ای می گذرد. عبارت «وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا» تصویری از ویرانی گسترده آن شهر ارائه می کند؛ به گونه ای که بناها فروریخته و سقف ها و دیوارها بر یکدیگر افتاده اند.

در توضیح شأن نزول و زمینه تاریخی این آیه، به ویرانی بیت المقدس به دست بخت النصر، از حاکمان ستمگر تاریخ اشاره شده است. در گزارش های تاریخی، از کشتار گسترده مردم و تخریب آبادی های آن منطقه سخن گفته اند. براساس توضیحی که در این بحث ارائه می شود، پس از گذشت سال ها، آثار ویرانی همچنان باقی و پیکرهای مردگان نیز به استخوان هایی پراکنده تبدیل شده بود.

در بعضی تفاسیر، شخصی که در این آیه از او سخن گفته شده، حضرت عُزَیر(ع) معرفی شده و در بعضی نقل ها، از حضرت ارمیا(ع) نام برده اند. در دیدگاه تفسیری مورد استناد در این گفت وگو، با ارجاع به مباحث علامه طهرانی(ره) در جلد چهارم کتاب «معادشناسی»، این شخص حضرت ارمیا(ع) دانسته شده است. بنابراین، انتساب قطعی ماجرا به یکی از این دو شخصیت، نیازمند بررسی دقیق اقوال تفسیری و منابع آن هاست.

براساس این تفسیر، حضرت ارمیا(ع) هنگام عبور از آن آبادی و مشاهده ویرانی گسترده و استخوان های پراکنده مردگان، با خود اندیشید که خداوند چگونه این مردگان را پس از مرگشان زنده خواهد کرد. عبارت قرآنی این پرسش چنین است: «قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا؛ گفت: خداوند چگونه این مردگان و ویرانی ها را پس از مرگشان زنده می کند؟»

این پرسش براساس توضیح یادشده، به معنای انکار قدرت خداوند یا تردید در اصل زنده شدن مردگان نبود؛ زیرا حضرت ارمیا(ع) پیامبر خدا بود و به قدرت پروردگار ایمان داشت، بلکه مشاهده استخوان های پراکنده و ویرانی گسترده، زمینه شگفتی و پرسشی درباره چگونگی زنده شدن مردگان را فراهم کرده بود.

این شگفتی را می توان از دو جنبه توضیح داد: نخست، چگونگی گردآمدن استخوان های پراکنده و پیوستن دوباره اجزای بدن به یکدیگر؛ دوم، گذشت زمان طولانی و پراکنده شدن اجزای پیکرها در نقاط متعدد. براساس این توضیح، مسئله فقط زنده شدن بدن هایی نبود که آثار آن ها هنوز در همان محل دیده می شد، بلکه چگونگی بازآفرینی بدن پس از گذشت زمانی طولانی نیز مورد توجه قرار داشت.

پس از این پرسش، خداوند او را به مدت ۱۰۰ سال میراند و سپس زنده کرد. آیه می فرماید: «فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ؛ پس خداوند او را به مدت ۱۰۰ سال میراند، سپس برانگیخت.»

براساس شرح این ماجرا، الاغ او نیز همراه وی از میان رفت و خوراک و نوشیدنی که همراه داشت، باقی ماند. در بعضی توضیحات تفسیری، خوراک او انجیر و نوشیدنی اش شیره انگور معرفی شده است؛ هرچند این جزئیات در خود آیه تصریح نشده و باید آن ها را در شمار نقل های تفسیری دانست.

پس از زنده شدن، خداوند از او پرسید چه مدت درنگ کرده است. او پاسخ داد که یک روز یا بخشی از روز درنگ کرده، زیرا گمان می کرد فاصله میان زمانی که در آن وضعیت قرار گرفته و زمانی که دوباره بیدار شده، کوتاه بوده است. خداوند به او فرمود که ۱۰۰ سال در آن حالت بوده است.

متن این بخش از آیه چنین است: «قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ؛ خداوند فرمود: چه مدت درنگ کردی؟ گفت: یک روز یا بخشی از یک روز درنگ کردم. فرمود: بلکه ۱۰۰ سال درنگ کرده ای.»

سپس خداوند از او خواست به خوراک و نوشیدنی اش بنگرد که در طول این مدت تغییر نکرده بود و به الاغش نگاه کند که استخوان های آن باقی مانده بود. این دو نشانه، تفاوت میان وضعیت خوراک و نوشیدنی و بدن حیوان را نشان می داد: خوراک و نوشیدنی با وجود گذشت ۱۰۰ سال تغییر نکرده بود، اما الاغ از میان رفته و استخوان هایش باقی مانده بود.
ایکنا ـ در آیه ۲۵۹ سوره مبارکه «بقره»، عبارت «وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ» بر نشانه بودن این رخداد برای مردم تأکید می کند. این بخش از آیه چه اهمیتی در تبیین رجعت دارد و ماجرای پیوند دوباره استخوان ها و زنده شدن آن حیوان چگونه قدرت خداوند را نشان می دهد؟

یکی از مهم ترین بخش های آیه ۲۵۹ سوره مبارکه «بقره»، عبارت «وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ» است؛ یعنی خداوند این رخداد را نشانه ای برای مردم قرار داد. متن آیه در این قسمت چنین است: «وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ؛ و این کار را انجام دادیم تا تو را نشانه ای برای مردم قرار دهیم.»

در اینجا، تعبیر «لِلنَّاسِ» اهمیت دارد؛ زیرا نشانه بودن این رخداد به گروهی خاص از مردم یا به دوره ای تاریخی محدود نشده است. در تفسیر مورد بحث، این تعبیر به گونه ای فهمیده می شود که ماجرا برای مردم در دوره های گوناگون نیز می تواند زمینه تأمل درباره قدرت خداوند و امکان زنده شدن مردگان باشد.

بر این اساس، آیه فقط گزارشی از رخدادی مربوط به گذشته نیست؛ بلکه برای مخاطبان قرآن در دوره های بعد نیز پیام دارد.

از منظر مهدوی، این واقعه در کنار دیگر نمونه های قرآنی زنده شدن مردگان، برای تبیین امکان رجعت مورد توجه قرار می گیرد. البته آیه به صراحت از رجعت پس از ظهور امام مهدی(عج) نام نمی برد؛ پیوند آن با رجعت، در چارچوب تفسیر و روایات اعتقادی شیعه مطرح می شود.

در ادامه آیه، خداوند به آن شخص فرمان می دهد که به استخوان ها بنگرد و مشاهده کند که چگونه به هم پیوند می خورند و سپس گوشت بر آن ها پوشانده می شود. متن کامل این بخش چنین است: «وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا؛ و به استخوان ها بنگر که چگونه آن ها را برمی افرازیم و به هم پیوند می دهیم، سپس بر آن ها گوشت می پوشانیم.»

در این بخش از آیه، مراحل بازسازی بدن به تصویر کشیده شده است: استخوان ها به هم می پیوندند و پس از آن، گوشت بر آن ها پوشانده می شود. براساس شرح این ماجرا، آن شخص با چشمان خود مشاهده کرد که چگونه استخوان های الاغ دوباره به یکدیگر متصل می شوند و بدن حیوان شکل می گیرد.

در تفسیر مورد اشاره، به این نکته نیز پرداخته شده است که خود آن شخص هم در مدت این سال ها از دنیا رفته بود و سپس زنده شد. در این خصوص، علامه طهرانی(ره) می گویند که برای مشاهده این صحنه، وضعیت دیداری او به گونه ای فراهم شد که

بتواند مراحل زنده شدن را ببیند، در حالی که سایر اجزای بدنش در جریان مرگ و زنده شدن قرار داشت. این جزئیات در متن آیه تصریح نشده اند و باید آن ها را بخشی از شرح تفسیری این واقعه دانست.

پس از آنکه این حقیقت برای او آشکار شد، گفت: «أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ می دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست.» این عبارت پایانی، نتیجه مشاهده آن رخداد را بیان می کند. براساس توضیح تفسیری مورد بحث، حضرت ارمیا(ع) از پیش به قدرت خداوند ایمان داشت. بنابراین، عبارت «أَعْلَمُ» به معنای آن نیست که او پیش از این، قدرت پروردگار را نمی دانست؛ بلکه مشاهده عینی این رخداد، موجب آشکارترشدن حقیقت برای او و آرامش خاطرش شد.

این موضوع با آنچه در آیه بعدی درباره حضرت ابراهیم(ع) مطرح می شود نیز قابل مقایسه است؛ جایی که آن حضرت از خداوند می خواهد چگونگی زنده کردن مردگان را به او نشان دهد تا قلبش آرام گیرد. در هر دو ماجرا، بحث بر سر انکار قدرت خداوند نیست، بلکه مشاهده عینی چگونگی تحقق زنده شدن مردگان و رسیدن به اطمینان بیشتر مطرح است.

در مجموع، ماجرای آیه ۲۵۹ سوره مبارکه «بقره»، در کنار معجزات پیامبران و دیگر آیات مربوط به زنده شدن مردگان، در مباحث مهدوی برای تبیین امکان رجعت و باور به این حقیقت مورد توجه قرار می گیرد. براساس این نگاه، خداوندی که توانایی زنده کردن انسان پس از ۱۰۰ سال و بازسازی بدن از استخوان های پراکنده را دارد، بر هر امر مشابه دیگری نیز تواناست.

عبارت «لِلنَّاسِ» نیز یادآور می شود که این رخداد در چارچوب پیام جاودانه قرآن، برای همه نسل ها قابل تأمل و تکرار است و به زمان وقوع آن واقعه محدود نمی شود و می تواند به دوران های دیگر، از جمله دوران رجعت مرتبط با موضوع مهدویت تعمیم داده شود و روایات وارده نیز این تعمیم را تأیید می کند. در موضوع مهم رجعت، همچنان در آیات بعد، به مناسبت گفت وگو خواهیم کرد.